

ابو منصور عبد القاهر بن طاهر بغدادی

نام و نسب و زندگانی او : ابو منصور (۱) عبد القاهر (۲) بن طاهر ابن محمد التمیمی (۳) البغدادی ، فقیهی اصولی و عالم در علم کلام و حساب و مردی ادیب و شافعی مذهب و مولد و منشأش بیغداد بود و با پدرش طاهر بن محمد به نیشابور سفر کرد و در آن شهر مسکن گزید .

تاج الدین سبکی (۴) در تذکره حال او مینویسد که : او پیشوائی بزرگوار و بلند پایه بود و نام او بدان شهری تا بیلاد دوردست شهرت یافت و بیشتر اهل خراسان در آن روزگار ازدانش وی برخوردار شدند و او خود از عمرو بن نجید ، و ابو عمرو حماد بن جعفر بن مطر ، و ابوبکر الاسماعیلی ، و ابوبکر بن عدی و دیگران استماع حدیث و کسب علم کرد .

ابن خلکان (۵) گوید : که عبد الغافر ابن اسمعیل الفارسی در سیاق تاریخ

(۱) در قاموس الاعلام ترکی شمس الدین سامی ج اول ص ۷۶۳ کنیه او « ابو المنصور » با حریف تعریف بر سر منصور آمده که غلط است . در این کتاب تذکره حال ابو منصور از روی « فوات الوفيات » کتبی ترجمه شده و در لغت نامه دهخدا ص ۸۶۷ تذکره حال او از روی قاموس الاعلام ترکی و ابن خلکان نقل شده است .

(۲) در ترجمه دائرة المعارف اسلامی بترکی نام او « عبد القادر » آمده که بایستی غلط مطبعی باشد . رجوع شود به شرح حال ابو منصور در دائرة المعارف اسلامی بانگلیسی و فرانسه تحت عنوان البغدادی :

Al Baghdadi : Encyclopaedia Of Islam .

Al Baghdadi : Encyclopédie De L , islam .

(۳) در کتاب « فوات الوفيات » محمد ابن شاكر ابن احمد الكتبی ، المتوفی سنة ۷۶۴ طبع مصر ۱۲۹۹ هـ ج اول ص ۲۹۸ نسبت او « تیمی » آمده که ظاهراً تصحیف شده و صحیح همان « تیممی » است .

(۴) طبقات الشافعية الكبرى تألیف : تاج الدین ابی نصر عبد الوهاب ابن تقی الدین السبکی متوفی در ۷۵۶ هـ طبع مصر ج سوم ص ۲۳۸ - ۲۴۲

(۵) « وفيات الاعیان » ابن خلکان ، متوفی در ۶۸۱ طبع مصر ۱۲۷۵ هـ ج ا ص ۴۲۳

نیشابور از او یاد کرده و مینویسد که ابو منصور با پدرش به نیشابور در آمد مردی توانگر و باثروت بود و مال خود بر اهل دانش و حدیث انفاق کرد (۱) و از معلومات خود مالی نیندوخت و در چندین علم تصنیف کرد و در فنون مختلف سر آمد اقران خویش گشت و هفده فن را تدریس می کرد و فقه را از استادش ابو اسحق اسفراینی بیاموخت و پس از او دو سال بجای وی بتدریس و املاء در مسجد عقیل بنشست و ناصر مروزی، وزیر الاسلام قشیری و جز آن دو از ائمه وقت نزد او تلمذ کرده بودند.

ابو منصور همچنان در نیشابور میزیست تا در فتنه ترکمانان (۱۰۳۷-۴۲۹ م) ناگزیر بترك آن شهر شد (۲) و به «اسفراین» (۳) هجرت کرد.

(۱) مال خود را بر اهل علم و حدیث انفاق کرد تا فقیر شد (معجم المطبوعات العربیه ج ۱ ص ۱۴۴)

(۲) ابن خلکان، مقصود از فتنه ترکمانان هجوم ترکمانان سلجوقی است بخراسان آغاز این فتنه در ۴۲۳ هجری بود در این سال ترکان سلجوقی که از مدت‌ها پیش زمینه تسلط خویش را بر خراسان فراهم آورده بودند علناً بر سلطان مسعود عز نوی قیام کردند و بالاخره از ماوراء النهر و مسکن خود قریه «نور» بخارا مهاجرت کرده و بدامنه جنوبی جبال خراسان یعنی در جنوب ریگزار ترکستان حالیه و حوالی شهر «نسا» کوچ کردند در ۴۲۵ از سلطان خواستند که اجازه اقامت در خراسان بایشان دهد ولی سلطان بجنک بایشان پرداخت و پس از نبردهائی لشکر سلطان شکست خورد و وی ناچار شد که سه ولایت نسا، وایورد، و فراوه، را بترتیب بطغرل، و داود، و بیغوی، سلجوقی واگذار و بایشان لقب «دهقان» دهد. در شعبان ۴۲۹ پس از بازگشت از سفر هند سلطان مسعود «سباشی» حاجب بزرگ خود را مأمور دفع ترکمانان کرد او که در باطن نسا سلجوقیان مواضعه کرده بود اموال خود برداشت و بگریخت و طغرل بآسانی بر خراسان دست یافت و نیشابور را بی جنک از «ابوسهل حمدوی» بگرفت و در شوال ۴۲۹ در آن شهر بر تخت نشست و خود را شاه خواند «رجوع شود به راحة الصدور در تاریخ آل سلجوق ص ۹۷-۱۰۱ طبع اروپا، و تاریخ ابن الاثیر در حوادث سال ۱۲۹ و پیش از آن»

(۲) اسفراین، بفتح همزه و سکون سین و فتح فاء و راء و الف و کسریاء و سکون یاء دوم و نون. از نواحی نیشابور بر نیمه راه جرجان و نام قدیم آن «مهرجان» و بقول ابوالقاسم بیهقی اصل آن «اسپر آئین» بوده است چه «اسپر» بمعنی سپر و «آئین» بمعنی عادت است و این وجه تسمیه از این جهت است که مردم آنرا عادت بحمل سپر بوده *

سبکی: از قول ابوالحسن بن نصر زبیدی فقیه بسزویت ابو عبدالله محمد بن عبدالله فقیه مینویسد:

چون ابومنصور با سفر این در آمد بخدیکه توصیف آن نتوان کرد مردمان از آمدنش شادمان شده مقدمش را گرامی شمردند. (۱) ظاهر باعث هجرت وی به سفر این یکی ارادت مفرط او با استاد فقیدش ابواسحق ابراهیم بن محمد الحاکم الاسفراینی، متوفی در (۱۰۲۷/۴۱۸) و شوق زیارت و مجاورت قبر او و دیتکر و رائر دعوت و اصرار شاگرد و دامادش «ابوالمظفر شاهفور بن محمد الاسفراینی» صاحب کتاب «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین» متوفی در ۴۷۱ هجری بوده است. ابوالمظفر در کتاب خود التبصیر از برگزیده بحث های استاد خویش ابومنصور عبدالقاهر بغدادی استفاده کرده است و چنانکه مینویسند از مصاهره این دو دانشمند بزرگوار نسلی پیدا شدند که به بلخ رفته و سلسله ای از علما و بزرگان آن شهر را تشکیل دادند (۲)

ابومنصور جز اندکی در اسفراین نزیست و در سال ۴۲۹ هـ به مانجا در گذشت (۳) بقول سبکی ابن نجار در تاریخ خود مرک اورا در ۴۱۷ دانسته و این تصحیفی از ناسخ یا وهمی از مصنف است (۴).

است؟ ناحیت آن مشتمل بر ۴۵۱ قریه است (معجم البلدان یا قوت حموی طبع اروپا ج ۱ ص ۲۴۸). اسفراین نام یکی از بخشهای سه گانه شهرستان بجنورد که در کوه شاه جهان و شمال کوه هرده واقع است. حدود آن از شمال به بخش شیروان و بخش حرمه و از جنوب به بخش جغتای و از مشرق به صفی آباد و از مغرب شهرستان گرگان است. مرکز آن بخش میان آباد میباشد که ۳۲۹۲ تن جمعیت دارد. اسفراین از چهار دهستان: حومه در میان، جاجرم، سنخات، شقان، تشکیل شده و دارای ۱۵۴ آبادی بزرگ و کوچک و رویهمرفته ۵۹۴۶۸ تن نفوس دارد. زبان مادری اهالی ترکی و فارسی و کمی کردی و مذهب آنان شیعه است «فرهنگ جغرافیائی ایران استان نهم خراسان ص ۱۸ اسفراین»

(۱) طبقات الشافیه (۲) مقدمه کتاب التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية

عن الفرق الهالکین اسفراینی طبع مصر ۱۹۴۰

(۳) ابن خلکان

(۴) طبقات الشافیه

ابن عساکر در کتاب التبیین مینویسد: که اهل علم بر این قول متفقند که ابو منصور رادر کنار قبر استادش ابواسحق ابراهیم بن محمد الاسفراینی بخاک سپردند. و قبر آندو بایکدیگر چنان بهم چسبیده که گوئی دو نجمند که مطلعی آندورا فراهم آورده و یا دو کوکبند که برج بلندی آندورا بهم پیوسته است (۱)

... شاعری او: ابو منصور گذشته از مقامی شامخ که در علم و ادب داشته از قریحه شاعری نیز بی نصیب نبوده گاهگاهی اشعاری میسروده که دارای معانی لطیف و بدیع بوده است، دیوانی از او در دست نیست و شاید هم اصلا دیوانی نداشته است فقط قطعات و ابیاتی از او در بعضی از کتب تواریخ و تذاکیر یاد شده است. از اشعار او:

شبابی و شبیبی دلیار حیلی فسمعا لذاک و ذامن دلیل
و قد مات من کان لی من عدیل و حسبی دلیار حیل العدیل (۲)
... دیگر:

یا من عدی ثم اعتدی ثم اترف ثم انتهی ثم ارعوی ثم اعترف
ابشر بقول الله فی آیاته ان ینتهو یغفر لهم ما قد سلف (۳)

(۱) مقدمه محمد زاهد الکوثری بر الفرق بین الفرق طبع مصر. و نیز برای تذکره حال ابو منصور در منابع اروپائی مرجوع شود به:

ص ۱۶۰ "Vorlesugen über den Islam", Goldziher,

ZDMG مجلد ۶۵ ص ۳۴۹

"Journal American Oriental Society", Fri dlander,

مجله ۲۸ ص ۲۹

Wüstenfeld, Die Shàfiiten, No, 345 Abhandlung des

Ges. der wiss, Göttingen جلد ۳۷ ص ۳۴۵

"Geschichte der arabischen litteratur", C. Brockelmann,

ضمیمه اول ص ۶۶۶. Leiden 1937.

(۲) فوات الوفیات

(۳) طبقات الشافعیه

دیگر :

یا سائلی عن قصتی دعنی امت فی غصتی
المال فی ایدی الوری و الیأس منه حصتی (۱)

دیگر

طلبت من الحبيب زکاة حسن علی صغر من العمر البهی
فقال وهل علی مثلی زکاة علی قول العراقی الزکی
فقلت الشافعی لنا امام وقد فرض الزکاة علی الصبی (۲)

دیگر اشعاریست که در رد مذاهب مخالف عقیده خود گفته که گاهی در ضمن کتب کلامی او چون الفرق بین الفرق دیده میشود و اغلب متکلفانه است و از تعصب خالی نیست چنانکه در جواب قصیده کثیر شاعر (۳) که از زعمای کیسانیه بود گفته است

لقد افیت عمرک بانتظار لمن واری التراب له عظاما
فلیس بشعب رضواء امام تراجمه الملائکة الکلاما

(۱) فوات الوفيات

(۲) طبقات الشافعية وفوات الوفيات

ابن شاکر کتبی مینویسد که این شعر مثل قول امیر ابوالفضل میکالی است که گوید: اقول لشادن فی الحسن فرد یصید بلحظه قلب الکی . ملک الحسن اجمع فی نصاب

فاد زکاة منظرک البهی . وذاك بان تجود لمستهام برشف من مقبلک الشهی
فقال ابو حنیفة لی امام یری ان لازکاة علی الصبی ،

این شعر را تقی الدین سبکی تمام کرده : فقال اذن اذهب فاقبض

برای الشافعی من الولی . فقلت له فدیته من فقیر ایطلب بالوفاء سوی الملی .

نصاب الحسن عندی ذوامتناع بلحظک والقوام السمهری

فان اعطیتنا طوعا و الا اخذناه بقول الشافعی .

(۳) بعضی از ابیات کثیر اینهاست: الاقل للموصی فدیته نفسی اطلت بذلك الجبل المقاما

اضر بمعشر والوک منا وسموک الخلیفة والا ماما .

وعادوا فیک اهل الارض طرا مقامک عندهم سبعین عاما .

وما ذاق ابن خولة طعم مدت ولا وارت له ارض عظاما .

لقد امسى بمجرى شعب رضوی تراجمه الملائکة الکلاما .

وان له لبرزقا کل يوم و اشربه یعل بها الطعاما (الفرق بین الفرق ص ۲۹)

ولا من عنده غسل وماء و اشربة يعل بها الطعاما
وقد ذاق ابن خولة طعم موت كما قد ذاق والده الحماما
ولو خلد امرؤ لعلو مجد لعاش المصطفى ابداً وداما

تالیفات او: ابن خلکان مینویسد: ابومنصور در فنون عدیده خاصه در علم حساب ماهر بود و او را تالیفات سودمند و از جمله کتاب «التکمله» است و نیز عارف به فرائض و نحو بود و او را اشعاری است (۱)

تاج الدین سبکی مینویسد که امام فخر رازی در کتاب «ریاض المونقه» گوید: که ابومنصور چون اجل بر مخالفان خود میتاحت و بی محابا برد ایشان میپرداخت و در علم حساب و مقدار و کلام و فقه و فرائض و اصول فقه دست داشت و اگر او را جز کتاب تکمله در حساب نبودى همان به تنهایی فضل او را کفایت کردی.

سبکی این کتابها را باو نسبت میدهد (۲): ۱- کتاب الملل والنحل، کتابی مختصر است و در نوع خود نظیر ندارد، ۲- نفی خلق القران، ۳- کتاب الصفات، ۴- کتاب الایمان و اصوله، ۵- کتاب بلوغ المدی عن اصول الهدی (۳)، ۶- کتاب العماد فی مواریث العباد، که در فرائض و حساب نظیر آن نیست، ۷- کتاب شرح مفتاح ابن القاص، و آن کتابی است که رافعی در آخر باب رجعت از آن نقل کرده است ۸- کتاب نقض ما عمله ابو عبدالله الجرجانی فی ترجیح مذهب ابی حنیفه، ۹- کتاب الوطاء التام، وهو المعروف بالتقاء الختائین، که چهار جزء میباشد، ۱۰- ابن الصلاح گوید: که کتابی از او درباره معنی تصوف و صوفی دیدم که در آن هزار گفته از اقوال صوفیه را بترتیب حروف معجم گرد آورده بود. باری ابومنصور در همه تصانیف خود در حسن ترتیب آنها بی اندازه مبالغه کرده است.

علاوه از اینها، کتابهای ذیل را هم محمد بن شاکر کتبی باو نسبت داده است. (۴)

(۱) وفيات الاعیان (۲) طبقات الشافعية (۳) بلوغ المدی فی اصول الهدی
(ابن شاکر کتبی) (۴) فوات الوفيات .

- ۱۱ - تأویل متشابه الاخبار، ۱۲ - تفسیر القرآن، ۱۳ - فضائح المعتزله (۱)
 ۱۴ - الکلام فی الوعید، ۱۵ - الفاخر فی الاوائل والاواخر، ۱۶ - ابطال القول
 بالتوآد، ۱۷ فضائح الکرامیه، ۱۸ - تفضیل الفقیر الصابر علی الغنی الشاکر، ۱۹ -
 التحصیل فی اصول الفقه، ۲۰ - الفرق بین الفرق .

کتاب موجود او : بیشتر کتابهای نامبرده یا ازین رفته است و یا بآنها دسترسی
 نیست از تألیفات ابومنصور آنچه را که بنا بفهرست کتابخانه ها در دست ماند ،
 اینها است :

- ۱ - اصول الدین ، که در نزد اهل علم معروف به « تبصرة البغدادیه » است
 تا از « تبصره النسفیة » تالیف ابومعین نسفی که « تبصرة الادله » نام دارد متمایز باشد
 این کتاب را پروفیسور ریتر در ۱۹۲۸ در آستانه (استانبول) بطبع رسانیده (۲)
 وموضوع آن بحث در اصول وعقاید دین اسلام از نظر کلام است .
 ۲- الملل والنحل : نسخه این کتاب در مکتبه عاشر افندی استانبول (۳) ومکتبه
 اوقاف بغداد است (۴) ابومنصور بغدادی در الفرق بین الفرق در چند جا از این کتاب
 نام برده است.

۳- کتاب تفسیر اسماء الحسناء (۵)

- ۴- فضائح القدریه (۶) خلاصه این کتاب را خود مؤلف در کتاب دیگرش
 «الفرق بین الفرق» در فصل سوم از باب سوم آورده است .
 ۵- التکلمة فی الحساب، نسخه اش در کتابخانه «لاله لی» استانبول است (۶)

- (۱) خلاصه این دو کتاب را خود مؤلف در کتاب دیگرش الفرق بین الفرق آورده است
 (۲) اصول الدین بغدادی طبع آستانه (استانبول) ، باهتمام ریتر ، ۱۹۲۸م
 (بروکلیمان ادبیات عرب) 555 . Ashir Ef . K . al milal wan - nihal (3)
 (۴) بنا بقول مرحوم محمد زاهد الکوثری در مقدمه الفرق و بین الفرق
 (بروکلیمان) B . Mus . or 7547 (5)
 (6) Pro . D C . Brockelmann „ Geschichte der Arabischen
 Litteratur , Leiden 1937 , p ,666 (ضمیمه اول)
 (7) Lâleli , 2708 (بروکلیمان)

۶- کتاب فی المساحه (۱)

۸- تأویل المتشابهات فی الاخبار والایات (۱)(۲)

کتاب الفرق بین الفرق از کتب معروف ابومنصور «الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم» است که در فرق ومذاهب اسلامی و نقض عقاید و آرائی که بزعم او مخالف فرقه ناجیه است نوشته و ظاهر آن بنظر میرسد که این کتاب صورتی دیگر از کتاب «الملل والنحل» او که در تألیف آن از محاضرات و مخطوطات استادش ابواسحق اسفراینی استفاده کرده است باشد.

امام فخرالدین رازی در مسئله دهم کتاب مناظرات (۳) خود که راجع بملل و نحل شهرستانی گفتگو کرده در باره کتاب الفرق و بین الفرق نیز اظهار نظر ضمنی نموده گوید: «روزی مسعودی (۴) که خدایش بیامرزاد بر من در آمد و فرح و شادی بسیار داشت سبب این شادمانی را از او پرسیدم، گفت کتابهای نفیس خوبی پیدا کرده خریده ام و این خوشحالی من بدان سبب است. گفتم آن کتابها چیست؟ کتبی را نام برد تا بکتاب «الملل والنحل» شهرستانی (۵) رسید. من گفتم: آری او مذاهب اهل جهان را در آن بزعم و پندار خود آورده و بر آن کتاب اعتمادی نیست، زیرا مذاهب اسلامی را از کتابی بنام الفرق بین الفرق از تصانیف استاد ابومنصور بغدادی نقل کرده و این استاد بر مخالفان خود سخت تعصب داشت و مذاهب ایشان را چنانکه بایستی نقل نکرده، و شهرستانی نیز مذاهب فرق اسلامی را از آن کتاب گرفته است از این جهت در نقل این مذاهب مطالب او خالی از خلل نیست.

(۱) علیگره ۹۵۱۴ (بروکلمان)

(۲) ابومنصور کتابی هم بنام «الحرب علی ابن حرب» در رد بر جعفر بن حرب از معتزله داشته که در الفرق بین الفرق (ترجمه ص ۱۷۲) بآن اشاره کرده است.

(۳) مناظرات جرت فی بلاد ماوراء النهر فی الحکمة والخلاف و غیر هما بین الامام فخرالدین رازی و غیره - المتوفی سنة ست و ستمائة ۶۰۶ هـ الطبع اولی حیدرآباد دکن (هند) ۱۳۵۵ هـ ص ۲۵-۲۷

(۴) در مسئله نهم همین کتاب فخر رازی از این «مسعودی» یاد کرده مینویسد «یکی از روزها که بسیار دلم تنگ شده بود بر شرف مسعودی وارد شدم و آن در سال ۵۸۲ بود» تا آنجا که میگوید: چون امام شرف الدین مسعودی این سخن را شنید.

(۵) محمد بن عبدالکریم شهرستانی متوفی در ۵۴۸ هـ

اما داستان احوال فلاسفه بطور مستوفی در کتاب صوان الحکمه بحث شده و شهرستانی اندکی از مطالب آنرا در کتاب خود آورده است .

اما راجع به ادیان عرب آنچه را که نوشته از کتاب ادیان العرب جاحظ است چیزیکه از مختصات ملل و نحل شهرستانی است فصول چهارگانه‌ای است که حسن بن محمد صباح بفارسی نوشته و شهرستانی آنرا بعربی نقل کرده است^۱

کتاب الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الذاجیه منهم تألیف ابو منصور بغدادی پس از فرق الشیعه ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (۱) متوفی در ۳۰۰ هـ ، و کتاب مقالات الاسلامیین فی اختلاف المصلین (۲) تألیف ابو الحسن اشعری متوفی در ۳۲۴ هـ ، والتنبیه والرد علی اهل اهواء والبدع (۳) تألیف ابو الحسن محمد ابن احمد ابن عبد الرحمن ملطی متوفی در ۳۷۷ هـ ، اقدم کتب و فرق ومذاهب اسلامی است که تا کنون بدست ما رسیده و در این فن از دیگر کتب فرق ممتع‌تر و پرمایه‌تر است : اگرچه از نظر بحث و استقراء و اشتمال فرق اسلامی و غیر اسلامی بیای دو کتاب هم‌ردیف خود کتاب الفصل فی الملل و الاهواء و النحل ابن حزم اندلسی متوفی در ۴۵۶ هـ ، و ملل و نحل شهرستانی متوفی در ۵۴۸ هـ نمیرسد ولی از لحاظ قدمت فضیلت تقدم را بر آندو دارد . و آن از ماخذی است که درباره چگونگی پیدایش فرق اسلامی و تأثیر بعضی بر بعضی دیگر و نفوذ فلسفه‌های یونانی بویژه افلاطونی جدید و دیانات مسیحی و یهودی و ایرانی و هندی در فرقه‌های اسلام معلومات سودمندی را در اختیار ما می‌گذارد .

پس از این تحقیق معلوم میشود که علت ظهور بیشتر فرقه‌ها در اسلام عکس العمل عواملی است که در اثر اصطکاک فکر اسلامی با افکار فلسفی ملل غیر عرب در عراق و سوریه و ایران در دولت اسلام پدید آمده است و این خود دلیل پیدا نشدن فرق اسلامی قابل اهمیتی در جزیره العرب یعنی منطقه عربی الاصل میباشد .

هر گاه روش بحث ابو منصور را در کتاب الفرق بین الفرق باشیوه تحقیق علمای

(۱) فرق الشیعه نوبختی طبع استانبول و نجف

(۲) طبع قاهره ۱۹۵۰

(۳) طبع قاهره ۱۹۴۹

امروز قیاس کنیم بایستی طریقه او را روشی غیر منصفانه بشمار آوریم و حتی او را در اینکه چرا درباره فرق اسلامی بحثی را که خالی از تعصبات مذهبی و منزله از هوای نفسانی و سیاست‌های عصری است فرو گذارده سرزنش و ملامت کنیم، چه بسا که این صفت او را از مقام يك مورخ بجا و بیطرف بدرجه مردی ستیزه جوی و اهل جدل و گامی بمرتبه کسیکه مردم را دست میاندازد و سخریه می کند تنزل داده است.

صرف نظر از این مقتضیات عصری که موجب ایراد چنان اباحت کلامی و جدلی برای افحام خصم و نقض گفتار او بوده است اگر کتاب الفرق بین الفرق را از لحاظ نقد مباحث تاریخ حرکت فکری اسلامی مورد مطالعه قرار دهیم هنرمند مصنف را در بحث در چگونگی پیدایش فرق اسلام از همان روزگاران نخستین خود و ارتباط تاریخی مسائل بایکدیگر درک کرده و کیفیت تاثیر افکار ایرانی و یونانی فلسفی و سریانی مسیحی را بر فکر عربی سامی در میابیم و در آن کتاب افکار کهن و فلسفه های گمشده را پیدا می کنیم که در کمتر کتابی آنها را توانیم یافت .

اگرچه بسیاری از فرقه هائی را که مولف از آن بحث کرده از میان رفته اند ولی تاثیر عقلی آن هنوز زنده است و اقوامی که بعدها در اسلام پدید آمده اند آنها را چون میراثی ادبی بارت برده و در ضمن عقاید مذهبی و حیات فکری خود تا با امروز آمیخته اند .

نسخه های الفرق بین الفرق : اولین بار که این کتاب بحلیه طبع در آمد و بمعرض استفاده اهل فضل گذارده شد از روی نسخه کتابخانه پادشاهی برلن بود این نسخه بسیار مغلوط و مغشوش است و غالباً اعلام در آن بـدرستی ضبط نشده و احیاناً افتادگی هائی نیز دارد و از جهة همین نقصها کمتر قابل اعتماد میباشد متأسفانه محمد افندی بدر بدون هیچ تصرف و تصحیحی این نسخه را همچنان خام و ناپخته در ۱۹۱۰ میلادی در قاهره بطبع رسانیده است .

نسخه دیگر از این کتاب که اخیراً بدست آمده از آن چلبی زاده نامی از احفاد مولانا جلال الدین بلخی صاحب کتاب مشنوی متوفی ۶۷۲ هـ بوده است و ترجیح بسیاری

از نظر صحت بر نسخه برلن و نسخه مختصر شده الفرق بین الفرق در دمشق دارد از اینرو بیشتر قابل اعتماد و استناد است این نسخه را شیخ محمد زاهد بن الحسن الکوثری وکیل سابق مشیخه اسلامی در خلافت عثمانی که اخیراً برحمت ایزدی پیوسته است به نفقه عزت العطار الحسینی در ۱۹۴۸ میلادی در قاهره بچاپ رسانیده است.

مختصر الفرق بین الفرق : در کتابخانه «ظاهریه» دمشق نسخه ای است

که عنوان آن «مختصر الفرق بین الفرق» تألیف عبدالقاهر بن طاهر، ابی منصور البغدادی رحمه الله . اختصار عبدالرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف الرسعنی، عفا الله عنه و نسخه الاصل بخطه است این نسخه از نفائس مخطوطات کتابخانه ظاهریه است و با چند کتاب دیگر تحت شماره (۳۷) از عام توحید تجلید شده و مجموع آن نسخ بخط عبد الرزاق رسعنی است. و این عبارت در پایان از آن مجموعه آمده است. «نقله والذی قبله فی مجلسین آخرهما یوم الخمیس ثامن جمادی الاول سنة سبع واربعم وستمائة عبدالرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف الرسعنی حامداً لله تعالی» بنابراین معلوم میشود که همه نسخ این مجموعه را عبدالرزاق در سال ۶۴۷ هجری بخط خود استنساخ کرده است.

متأسفانه اواخر نسخه مختصر شده الفرق بین الفرق از اواسط فصل هفدهم از باب چهارم در ذکر باطنیه تا آخر کتاب افتاده و در وسط هم بعضی از صفحات آن ناقص است. چنانکه از کلمه «رسعنی» نسبت عبدالرزاق پیدا است وی از مردم رأس عین (رشعین) از بلاد بین النهرین بوده است و از نسخه او چنین معلوم میشود که وی تنها یک استنساخ کننده و کاتب نبوده بلکه از علم و ادب نیز بهره داشته و با معان نظر توانسته است که کتاب الفرق بین الفرق بغدادی را بنام «مختصر الفرق بین الفرق» تهذیب و تلخیص نماید (۱) این نسخه را فلیپ حتی با مقدمه و حواشی ممتع در ۱۹۲۴ در قاهره منتشر ساخته است. ترجمه های الفرق بین الفرق: بیشتر کتاب الفرق بین الفرق (یعنی تا صفحه ۱۸۹ از طبع بدر) را مسز سیلی تحت عنوان «انشعابها و فرقه های مسلمین با انگلیسی ترجمه

(۱) رجوع شود به مقدمه فلیپ حتی بر «مختصر کتاب الفرق بین الفرق»

- ودر ۱۹۲۰ میلادی در نیویورک بطبع رسانیده است (۱)
- ۲- و نیز هالکین قسمتی از آن را بانگلیسی ترجمه و در ۱۹۳۶ در تل اوپو (اسرائیل) منتشر ساخته است (۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(1) Kate Chamber Seely , Moslem Schisms and Sects , in Colombia Univ , Or . Studies vol . xv , New york, 1920 .

(2) - Moslem Schisms and Sects , being the hist . Of the various philosoph Systems developed in Islam, part2 . transl . from the Ar . with iutrod . by A . s , Halkin , Tel - Avivi , 1936 .